



سیاه و سفید مذاکرات در گرفت و گویا وزیر امور خارجه

صریح باظریف

کری می دانست
با کسی قدم می زند که
به نظام و انقلابش باور دارد

هادی محمدی/امیر حسین یزدان پناه



عکس ها از حاتمی

وقتی صحبت می کند با همه وجودش و از همه ارتباطات کلامی و غیر کلامی که یک انسان می تواند با شخص مقابل خود ارتباط داشته باشد، استفاده می کند؛ حرکات دست، سر، میمیک صورت، تن صدا، لبخند و... هیچان در کلام و چهره اش، آن جایی که می خواهد از عملکرد دور فتارش دفاع کند موج می زند. همین طور آن جایی که می خواهد، از سال ها بی اعتمادی به آمریکا بگوید. او حتی وقتی در باره اسرائیل و نتانیاها صحبت می کند، تقریباً برافروخته هم می شود و تن صدایش، هر چند کمی گرفته، می رود بالاتر. شاید مثل همان عصیانیت هایی که در مذاکرات از او شنیده ایم. اما آن جایی که در باره حمایت های رهبری و عبارت «بچه های انقلاب» می گویم، او به آرامی و طمأنینه پاسخ می دهد و از کمک هایی می گوید که حمایت های رهبری به او کرده است. ظریف خودش را در «عدم اعتماد به آمریکا» با مردم شریک می داند و می گوید این «یک واقعیت تاریخی است.» اما ترجیح می دهد به سرعت بین خود و آن چه به دلواپسان مشهور شده است، خط مرز تعیین کند: «این توان را داریم که با آمریکا مذاکره کنیم و دیدگاه های خود را به نتیجه برسانیم.» وقتی از انتقاد می کنیم که چرا دولت در مذاکرات، حتی سایر کشورهای +5 را هر که ده و فقط مقابل آمریکا ننشسته، تاکید دارد که این طور نیست و این بر جسته سازی به خاطر این است که ایران و آمریکا سال ها مذاکره نکرده اند و نیز به این خاطر که آمریکا بیشتر این اقدام را در توافق باید انجام دهد و گرنه توجه ایران به همه کشورهاست و در این زمینه به «Plan B» هم احتیاجی نیست هر چند بلافاصله می گوید: «اگر مذاکرات موفق شود به این معنی نیست که همه مشکلات ما حل می شود... و اگر هم مذاکرات موفق نشود امکانات دیگری را هم میاریم.» رفتار صمیمانه وزیر خارجه سبب شد تا سوالات انتهایی مان را صریح و منتقدانه مطرح کنیم. او هم البته تلاش کرد با همان نگاه دیپلماتیک، البته صریح پاسخ بدهد. در مقابل انتقادمان به پیاده روی با کری، آن جایی که گفتیم ممکن است این اقدام به وجهه استیکار ستیزی انقلاب اسلامی خدشه وارد کند، پاسخ داد که: «من توهمی در مورد تغییر موضع آمریکا ندارم. آمریکا خصوصاً با انقلاب ما داشته و دارد و ما این خصوصیت را حس کرده و با آن برخورد می کنیم.» «صریح تر از این که با شما گفت و گو می کنم، حرف هایم را به کری می گویم... با برخورد های نامناسب دیگران برخورد می کنیم و هرگز در رفتارهایم وجهه استیکار ستیزی انقلاب را فراموش نکرده ام و در پیاده روی نیز جان کری می دانست با کسی قدم می زند که به نظام و انقلابش باور دارد.» ظریف شاید ترجیح داد در باره این قسمت از سوال که تاثیر این رفتار ها در باور ملت های انقلابی جهان و منطقه چیست پاسخی ندهد اما انگار باز هم می خواهد در باره آن انتقاد به ارتباط پیاده روی و وجهه استیکار ستیزی انقلاب صحبت کند: «در مذاکرات گاهی گوشه اتاق نماز می خوانم و بعد از نماز [به طرف های مقابل] گفتم من نماز خواندم که یادم باشد یک قدرت برتری در دنیا هست و قدرت های دیگر خیلی برتر نیستند.»

سوالات زیادی برای پرسیدن از آقای وزیر وجود دارد اما ۳۳ دقیقه زمان برای گفت و گویا او خیلی ناچیز است. این که ماجرای داد و فریاد هایش در اتاق مذاکره با کری چه بود و یا این که «مگر یک انسان چقدر تاب تحمل دارد» آیا به معنی احتمال استغفای او بود، مجالی برای طرح نیافت. مصاحبه با محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که حالا دیگر یک شخصیت شناخته شده و به قول برخی، جذاب برای رسانه هاست چندان آسان نیست. چرا که گفت و گوی ۳۳ دقیقه ای صریح ما با ظریف، پس از حدود ۴ ماه پیگیری مداوم و فشرده از مسئولان وزارت خارجه و به خصوص خانم افخم، انجام شد. آن هم درست در روزی که قرار بود از روز بعد از آن دور جدید مذاکرات با آمریکا در سوئیس آغاز شود. هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که به وزارت خارجه رسیدیم. قرار ما با آقای وزیر، در نخستین ساعات صبح بود. به همان میزان که سختی ها برای مصاحبه با او سخت است اما به نظر می رسد، سوال کردن چندان سخت نیست. باروی گشاده سوال را می شنود و البته او یک دیپلمات است و پاسخ ها را هم دیپلماتیک می دهد. جالب این جاست که وقتی از او می خواهیم برای سال ۱۳۹۴ یک پیش بینی بکند، آقای دیپلمات و رئیس تیم مذاکره کننده هسته ای ایران، یک پیش بینی اقتصادی می کند و امیدوار است کاهش بودجه کشور و بسته به نفت در سال ۹۴ کاهش یابد: «مبنا و یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی همین است... کاهش وابستگی به نفت در مذاکرات به ما کمک می کند.» گفت و گوی صریح روزنامه خراسان با محمد جواد ظریف را می خوانید. صبح یک روز زمستانی، در ساختمان تاریخی وزارت خارجه، در نخستین ساعات طلوع آفتاب....



آقای دکتر، ابتدا باید تشکر کنم از وقتی که به ما دادید و این نکته را مختصراً عرض کنم که نگاه ما در روزنامه خراسان به موضوع هسته ای نگاه آرمانخواهی توأم با واقع بینی است چرا که نمی خواهیم مصداق این حرف رهبری باشیم که نگاه صرف آرمانی باعث «توهم» می شود و راه رسیدن به آرمان را مسدود می کند. بر اساس همین نگاه واقع بینانه دستاوردهای مذاکرات ۱۷ ماهه هسته ای در دولت یازدهم را در سوالات و محورهای زیر خلاصه کرده ایم و پس از دستاوردها، برخی انتقادات صریح را هم مطرح می کنیم. آقای وزیر، یکی از دستاوردهای مذاکرات هسته ای در ۱۷ ماه گذشته، تغییر فضای بین المللی در باره ایران در این پرونده است. بفرمایید در ابتدای شروع مذاکرات توسط شما و همکارانتان فضای جهانی چگونه بود و امروز این فضا چگونه است؟

من برای اینکه این قضیه را توضیح دهم باید بگویم که وقتی ما مذاکرات را شروع کردیم همکاری با ایران هزینه حیثیتی داشت یعنی اگر می خواستید بایک شرکت خارجی قرارداد ببندید می گفتند مانع قانونی وجود ندارد اما هزینه حیثیتی دارد. امروز مخالفت با ایران هزینه حیثیتی دارد زیرا او با ما در کنگره اعلام می کند که اگر شما تحریم جدید علیه ایران تصویب کنید ما را از متحدین خود منزوی می کنید. این به نظر من توفیقی است که از راه مذاکره به دست آمده و ما یک اجماع جهانی علیه ایران را که قطعنامه پشت سر قطعنامه و تحریم پشت سر تحریم علیه این مردم تصویب می کرد شکستیم. البته ما این کار را نکردیم و مردم بودند که این کار را کردند. در انتخابات هم این کار را کردند. چگونه؟ ثابت کردند به دنیا و غرب که تحریم نمی تواند مردم را از حاکمیت جدا کند. اینکه چه کسی در انتخابات برنده شد مهم نیست اینکه ۷۳ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند نشان دادند که با فشار نمی توان مردم را از حاکمیت جدا کرد. منطق تحریم و فشار را شکستند و این فضایی را ایجاد کرد که ما هم به لطف خدا توانستیم از این فضا استفاده کنیم و در واقع آن جوروانی و ایران هراسی شکسته شد. در واقع هر چیزی علیه ایران و دوستان ایران توجیه پیدا می کرد. شما ببینید چرا الان اسرائیل اینقدر نگران است؟ نگرانی نتانیاها بابت چیست؟ چرا برخی کنشگران منطقه ای که از داعش حمایت می کردند، نگران هستند؟ چون داعش که پدیده جدیدی نیست. این داعش الان ۸ سال است که در منطقه است از وقتی که ابومصعب زقاوی القاعده عراق را ایجاد و شروع به قتل عام مردم مظلوم عراق کرد، داعش به اسامی مختلف شکل گرفت اما چگونه بود که این حرکت ضد انسانی در یک هاله ای از بی توجهی و ابهام قرار داشت؟ دلیلش ایران و هراس افکنی بابت ایران بود. این پرده امروز گسسته و شرایط عوض شده و من این را بیش از هر چیز مرهون حضور مردم می دانم.

پس به نظر شما همانقدر که فضا برای ایران بهتر شده برای طرف مقابل سنگین تر شده است؟

به خاطر این بوده که یک گروهی حیات خود را در تنش می دیدند و حیات خود را در ادامه سیاست های غیر انسانی رژیم صهیونیستی و سیاست های کوتاه بینانه خودشان را در مورد حامیان داعش در این می دیدند که یک بهانه یا نگرانی



«در مذاکرات گاهی گوشه اتاق نماز می خوانم و بعد از نماز [به طرف های مقابل] گفتم من نماز خواندم که یادم باشد یک قدرت برتری در دنیا هست و قدرت های دیگر خیلی برتر نیستند.»